

جنگ تحمیلی ۵ساله،«اقتصادسرآمد» هشدار می دهد

۵ سال آینده، ۵ سال سرنوشت‌ساز

بن سلمان: این جنگ من است

گروه راهبردی و استراتژیک سرآمد-

امید متین - قصه کرپدورعرب-مد، یک پای قضیه است؛ چیزی که کارشناسان آن را جسدی تلقی می کنند و برخی مسئولان آن فاقد اهمیت می دانند و خیال می کنند که عرب -مد حرفی کرپدور شمال-جنوب ایران نمی شود و تصویرشان بر این است که کشورهای هم پیمان در عرب-مد دارند پول‌شان را در جوی آب می ریزند. گروه راهبردی و استراتژیک روزنامه دریایی اقتصادسرآمد هشدار می دهد: «جنگ‌های این قرن، نه فقط جنگ آب، که جنگ کرپدورهاهم هست و هر کس در این جنگ عقب بماند، یک بازنده تمام عیار خواهد بود».

شاهراه ایران

ایران شاهراه حیاتی بود اما این روزها، خیلی به این شاه توجه نمی شود. انگار دوران پادشاهی چهارراهی جهان رو به افول نهاده و تاج درخشانش، درخشش گذشته را ندارد. با این وصف، دشمنان اگر نگوییم، می توانیم بگویم رقبای دیرینه این سرزمین، به طور طبیعی، همواره قصد داشتند که ایران را دور بزنند و تاج شاه‌راهی آش را از سرش بردارند. آیا می توان گفت که این مساله اهمیت ندارد؟

دلارزدایی

به روند کشورها- به خصوص کشورهای بریکس- دقت کنید. آن‌ها دارند دلار زدایی می کنند. دو کشور چین و روسیه، مبادلات خود را تا ۸۰درصد به ارزهای خودی تبدیل کرده‌اند و فقط ۲۰ درصد برای یورو و دلار باقی گذاشته‌اند که آن هم به زودی حذف خواهد کرد. دلارزدایی از آن‌جا آغاز شد که کشورها متوجه شدند، دلار وسیله‌ای برای استثمار آن‌هاست و مانع آزادی اقتصادی و سیاسی آن‌ها می شود. دلار حربه‌ای در دست امریکا بود که ابرقدرتی‌اش را به رخ بکشد و با نوسانات مصنوعی ارزی، با بازارهای هر کشوری که بخواهد بازی کند، مثلاً در سال ۲۰۰۰، با بالا و پایین کردن ارزش دلار، بازار چین را به چالش سختی کشید. فیلده دشتی بود و هر جا می خواست بالا می برد تا بسوزاند و هر جا می خواست، کم می کرد تا یخ بسازد. این بود که

بش‌ب



مدیر بنادر و دریانوردی غرب هرمز گان خبر داد:

بیش از سه میلیون تُن انواع کالا از بنادر غرب هرمزگان صادر شد

مدیر بنادر و دریانوردی غرب هرمز گان، میزان صادرات کالاهای نفتی و غیرنفتی در بنادر غرب این استان

در ۶ ماهه سال جاری را سه میلیون و ۵۱۵ هزار و ۸۶۶ تُن اعلام کرد.به گزارش اقتصادسرآمد، مرتضی سالاری به ایرنا افزود: از مجموع صادرات یک میلیون و ۸۱۲ هزار و ۸۱ تُن با ۳۳ درصدافزایش مربوط به صادرات غیر نفتی و یک میلیون و ۷۰۳ هزار و ۷۸۵ تُن به صادرات نفتی اختصاص دارد.

مدیر بنادر و دریانوردی غرب هرمز گان کالاهای صادر شده نفتی و غیرنفتی را شامل میوه و تره بار، خشکیار، مواد معدنی و مصالح ساختمانی عنوان کرد.به گفته سالاری؛ از مجموع عملیات انجام شده، ۲ میلیون و ۲۱۵ هزار و ۱۰۵ تُن نیز شمال فراورده‌های نفتی و غیرنفتی به صورت رویه کاپوتاژ (حمل و نقل ساحلی) در بنادر غرب استان هرمزگان جابه‌جا شده است.

وی گفت: ازاین میزان یک میلیون و ۳۳ هزار و ۴۱۹ تُن مربوط کاپوتاژ فراآورده غیرنفتی و یک میلیون و ۱۸۱ هزار و ۶۸۶ تُن نیز فراورده‌های نفتی بوده است.حمل و نقل کالا با مسافران از یک نقطه در یک کشور به نقطه‌ای دیگر در همان کشور را کاپوتاژ می‌گویند.مدیر بنادر و دریانوردی غرب هرمزگان در خصوص میزان تخلیه و بارگیری کانتینر یخچالی نیز بیان کرد: در این بازه زمانی با تخلیه و بارگیری ۸۷ هزار و ۳۶۵ TEU کانتینر یخچالی به تناژ ۹۰۳ هزار و ۵۱۸ تُن، بنادر غرب این استان هرمزگان توانست افزایش ۳۳ درصدی را به ثبت برساند و به جایگاه نخست در بین بنادر کشور دست پیدا کند.

سالاری با بیان اینکه بنادر غرب استان هرمزگان دارای ترمینال یخچالی با ظرفیت ۳۰۰ کانتینر یخچالی چرخدار و ۱۲ رمپ مخصوص بارگیری برای شناورهای حامل کانتینر یخچالی است، گفت: حجم صادرات کانتینر یخچالی از طریق بنادر را نیز ۴۳ هزار و ۶۸۲ TEU کانتینر اعلام کرد که نسبت به میزان صادرات کانتینر یخچالی در مدت مشابه سال گذشته، ۱۷ درصد افزایش داشته است.

TEU (هر تی او یو معادل یک کانتینر ۲۰ فوت) را شامل می شود. TEU (واحد شمارش کانتینر) یک واحد غیرمستقیم از ظرفیت بار است که اغلب برای توصیف ظرفیت کشتی کانتینری و پایانه‌های کانتینر استفاده می‌شود. وی در بخش دیگری بیان کرد: در دوره زمانی یاد شده، حجم ترانزیت کالاهای نفتی و غیرنفتی که عمده آن محموله خودرو بوده به ۳۳۷ هزار ۹۵۸ تُن رسید که ۴۶ درصد افزایش در این بخش به ثبت رسیده است. مدیر بنادر و دریانوردی غرب هرمز گان افزود: دراین مدت ۱۰۱ هزار و ۷۵۱ خودرو از طریق بندرلنگه به کشورهای به مقاصد کشورهای عراق، افغانستان و همچنین کشورهای آسیای میانه با بارگیری و ترانزیت شد.بنادر و دریانوردی بندرلنگه به عنوان هسته مرکزی بنادر غرب استان هرمز گان با پوشش بر ۱۰ بندر تجاری و مسافری و نظارت بر ۴۶ سازه دریایی از انتهای محدوده شهرستان بندرخمیر تا ابتدای حوزه استحفاظی استان بوشهر و پشتیبانی نیمی از جزایر کشور، همچنین در برگیری ۶۰۰ کیلومتر مرز دریایی از نقاط مهم مدیریت بر سواحل کشور است.

دلارزدایی شد یک آرزو و آرزو شد یک واقعیت.

ایران نیز به عنوان شاه‌راه جهانی، حلقه وصل جهانیان بود. همان‌طور که امریکا، دلار را حربه قرار داده بود، ایران، موقعیت ژئوپلتیک خود را وسیله کرده بود. فرق این است که امریکا با بازی دلار، سر به سر کشورها می گذاشت و آزار می داد، اما ایران، قصد آزار کسی را نداشت؛ ولی راه‌هایش را صاف و هموار نکرد. تجهیز نکرد، جنس بازاریش را جور نکرد. برای نمونه، کرپدور شمال-جنوب را راه نینداخت و از بس این دست و آن دست کرد که حوصله کشورهای منطقه را سر برد و آن‌ها را به فکر چاره انداخت. شعار بستن تنگه هرمز به این قائله دامن زد. کشورهایی مانند امریکا، فرض بر بستن تنگه هرمز را واقعی تلقی کرده و به فکر چاره افتادند و خط لوله احداث کردند تا نفست و گاز را منهای تنگه هرمز به امریکا ببرند. دیگر کشورها هم شروع کردند به نقشه کشی و برنامه‌ریزی. چین گوادر پاکستان را اجاره کرد. امارات، فجیره را تجهیز رویایی کرد. عراق، به جای بازپس دادن غرامت جنگی ما، فاو را تجهیز و آماده کرد و حتا کشورهای شمالی، به فکر کرپدوری از ترکیه به خزر افتادند و... همه به فکر افتادند و ما هم چنان دست دست کردیم.

همان‌طور که کشورها به فکر دلارزدایی افتادند، به فکر چهارراه‌زدایی هم افتادند. نمی خواهند به ایران وابسته باشند. نمی خواهند از مسیر ایران به اروپا و اوراسیا برسند. ضمن این که با کم کاری، به ایده و نظر آن‌ها کمک کردیم. نساختم و نساختم و نساختم تا به ستوه آمدند و به فکر دلارزدایی خاص ما افتادند. نه کرپدورها را تجهیز کردیم، نه راه‌ها را به هم وصل کردیم و حتا یک صنعت بانکرینگ را مسکوت گذاشتیم یا پمپ بنزین دریایی (سوخت کم‌مسئور) برای کشتی‌هایی که از همین راه تنگه هرمز ما می گذرند ایجاد نکردیم تا کشتی‌ها را مجبور کنیم ده‌ها کیلومتر اضافه راه بروند تا برسند به فجیره امارات و آن‌جا سوخت‌گیری کنند! دستی دستی با خودمان چه کردیم؟

این جنگ من است

همه این‌ها یک طرف و این طرح و نقشه-جديد



می روند که به آرزوی خود برسند و آن چیزی نیست جز قطب جدید جهانی. به قول بن سلمان، یک اروپا در خلیج فارس. از همه گزین‌ها هم استفاده کرده و می کنند. از ورزش، از گردش گری، صنایع دریایی و... همه را بسیج کرده‌اند تا قطب عالم شوند.

در این گیر و دار، این سهم کشورهایی مانند کشور ماست که به سبب بازار آن‌ها ریخته خواهد شد؛ مگر این که گزیری کنیم و روی دست‌شان بلند شویم. گستردگی سرزمینی، منابع مختلف، توان تخصص داخلی و انبوهی امکانات که در فرایند یک مدیریت قوی و مقتدر می تواند وزنه سنگینی بشود که هیچ خلیج نشینی نتواند آن را بیازماید.

این جنگ ماست

در این جنگ ۵ ساله، چه بخواهیم چه نخواهیم، ما یک طرف این قائله خواهیم بود. نه ما، بلکه همه کشورهای منطقه وارد این جنگ خواهند شد و از آن گزیری نیست؛ اما گزیر هست.

جنگ بن سلمان که با مدد میلیاردها دلار بادآورده نفتی شکل گرفته است، می رود تا محور جهانی را به نفع کشورهای غربی تغییر دهد. هدف و رویای بن سلمان و حامیش چیزی جز این نیست. سرمایه‌گذاری هفگفت قطر در برگزاری جام جهانی فوتبال، ضربه محکم اول راه به گوی محوری جهان زد. کشوری که تا دیروز کسی نامش را نمی دانست، اکنون روزانه میلیون ها بار به وسیله نوجوانان در سراسر جهان در گوگل جست‌وجو می‌شد. امارات با سرمایه‌گذاری کلان در بخش هوایی و دریایی، و عربستان با ریخت‌وپاش‌های آن چنانی برای فو تباليست‌های مشهور دنیا و همگی با رویکردی همزمان برای تاسیس عرب-مد و امثال این فعالیت‌ها،

درپيچ



مدیر کل دفتر امور صید و صیادی سازمان شیلات ایران

بهره‌برداری بی‌رویه از دریای خزر آسیب جدی به ذخایر آبزیان است

مدیر کل دفتر امور صید و صیادی سازمان شیلات ایران یکی دیگر از آسیب‌های وارده به دریای خزر را صید غیر مجاز اعلام کرد و افزود: اینگونه نیست که ذخایر آبزیان پایان ناپذیر باشند بلکه بهره برداری بی رویه، آسیبی جدی برای ذخایر تلقی می‌شود که بی تردید جبران آن در آینده امکان‌پذیر نخواهد بود.به گزارش اقتصادسرآمد، رضا نادری در نشست با مدیران پره‌های صیادی در بندرانزلی مشارکت جامعه بهره‌بردار در امر بازسازی ذخایر را در دنیا امروز یکی از ابرزارهای اصلی مدیریت ماهیگیری دانست و افزود: زمانی تلاش‌های شیلات در بازسازی ذخایر موفق‌آمیز خواهد بود که جامعه بهره‌بردار، تشکیل‌های صیادی و تعاونی‌های ماهیگیری در کنار شیلات قرار گیرند. وی تصریح کرد: شیلات ایران این اقدام را با نگاه همفکری، همکاری و اتفاق نظر فی مابین دنبال می‌کند تا به نتیجه مطلوب و دلخواه دست یابد؛ درحال حاضر یکی از خلاها و اشکالات در تشکیل‌های صیادی عدم به روز رسانی مجامع و شرایط برای ادامه فعالیت صیادی است که در برگزاری مجامع سالانه و انتخابات آنها وجود دارند و این برای جامعه صیادی چندان خوشایند نیست.مدیر کل دفتر امور صید و صیادی سازمان شیلات ایران از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواست در این مسیر کمک و همراهی لازم را با شیلات داشته باشند و افزود: شیلات ایران به مباحث حمایتی جامعه صیادی توجه ویژه‌ای دارد و موضوعاتی مانند مشکلات بیمه صیادی و سخت و زیان آور بودن شغل صیادی را پیگیری می‌کند تا به نتایج مثبتي در این بخش دست یابد و اکنون مجلس همراهی و همکاری لازم را در این زمینه نشان داده است.نادری ادامه داد: امروز آسیب‌های جدی مانند آلودگی‌های گسترده (شهری، صنعتی و خانگی) را در دریای خزر، رودخانه‌ها و مبادی اصلی زیست آبزیان را شاهد هستیم که برای ما آسیب‌زا است و مراجع ذیربط و دستگاه‌های متولی باید کمک و همکاری لازم را در کاهش این آلودگی‌ها داشته باشند. وی یکی دیگر از آسیب های وارده به دریای خزر را صید غیر مجاز اعلام کرد و افزود: اینگونه نیست که ذخایر آبزیان پایان ناپذیر باشند بلکه بهره برداری بی رویه آسیبی جدی تلقی می‌شود که بی تردید جبران آن در آینده امکان‌پذیر نخواهد بود؛ امروز تلاش‌های خوب و اقدامات ارزشمندی در بخش تکثیر مصنوعی و بازسازی ذخایر در حال انجام است اما زمانی اثر بخش خواهد بود که بتوانیم مدیریت مناسبی را بر ذخایر داشته باشیم.نادری، ۲ رویکرد اصلی را در ماهیگیری مسئولانه بهره برداری پایدار و پایداری اشتغال صیادی اعلام کرد و افزود: برای این اقدام و دستیابی به نتایج قابل قبول نیازمند همراهی و همکاری جامعه بهره‌بردار هستیم، تلاش می‌کنیم به جای مقابله مستقیم با صیادان از همراهی جامعه بهره‌بردار استفاده کنیم تا ذخایر برای نسل‌های آینده حفظ شود.وی تصریح کرد: در حفاظت از منابع و کنترل ذخایر و منابع آبی در دریای خزر رویکرد نو و جدیدی نیاز است و انتظار ما از یگان حفاظت از منابع آبزیان شیلات در این بخش نگاهی متفاوت و جدید است؛ شیلات نیز با ایجاد تشکل‌های صیادی و ظرفیت جامعه بهره‌بردار مدیریت همه جانبه بر ذخایر آبرزی در دریای خزر داشته باشد.مدیر کل دفتر امور صید و صیادی سازمان شیلات ایران یکی از نکات اصلی در حفظ و بازسازی ذخایر از حفاظت از رودخانه ها، مصب ها و مراکز اصلی تکثیر و بازسازی اعلام کرد و اظهار داشت: سال گذشته با همکاری شیلات استان موفق شدیم اقدامات خوب و موثری در بازسازی ذخایر انجام دهیم و به نتایج خوبی دست یابیم.

چهارشنبه ۱۲مهر ۱۴۰۲-سال هفتم-شماره ۱۷۴۷

اقتصاد دریا

خلیج فارس

بختن دوم

گذری بر اهمیت خلیج فارس

همايون الهی - ژئواستراتژی را معمولاً بدین گونه تعریف می کنند: «به کارگیری استراتژی برپایه جغرافیا توسط یک دولت» و یا «موقعیت مناسب جغرافیایی که به یک کشور برتری (نظامی) نسبت به رقیب یا رقبا می دهد». به سخن دیگر ژئواستراتژی ترکیبی از عوامل ژئوپلیتیک و استراتژیک که مشخص کننده یک حوزه جغرافیایی معین است؛ یعنی آن عوامل جغرافیایی که در یک منطقه وجود دارد و قابل استفاده در حوزه استراتژی و ژئوپلیتیک است. در ادامه بحث به اصطلاح دیگری می‌رسیم تحت عنوان ژئوپلیتیک که تعاریف متعددی برای آن عرضه شده است:

۱- در ژئوپلیتیک، رابطه جغرافیا و سیاست و تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست ملل مطالعه می‌شود. دولت‌ها عموماً با ملاحظه اوضاع جغرافیایی خود سیاستگذاری می‌نمایند.

۲- برخی ژئوپلیتیک را رابطه بین اوضاع جغرافیایی و سیاست خارجی کشورها می‌دانند و معتقدند ژئوپلیتیک مطالعه آثار و نتایجی است که عوامل جغرافیایی بر سیاست خارجی کشورها به جا می‌گذارد.

۳- عده‌ای نیز ژئوپلیتیک را رابطه بین عوامل جغرافی طبیعی و سیاست یک کشور می‌دانند.

۴- گروهی معتقدند که ژئوپلیتیک رابطه جغرافیای طبیعی و انسانی بر سیاست داخلی و خارجی را مورد توجه قرار می‌دهد.

با توجه به این تعاریف، ژئوپلیتیک تا حدودی شامل وقایع تاریخی ناشی از عوامل جغرافیایی نیز می‌شود. به علاوه اگر سیاست خارجی را دنباله سیاست داخلی بدانیم، انسان‌ها و نحوه بکارگیری آن‌ها در هماهنگی با اوضاع طبیعی هر کشور قرار دارند. عوامل تأثیرگذار جغرافیای طبیعی و انسانی ممکن است مثبت یا منفی باشد بطوری که از یک عامل جغرافیایی معین، یک دولت ممکن است بهره‌وری مثبت به دست آورد و دولت دیگر، از همان عامل بهره‌وری منفی داشته باشد. به علاوه حد و حدود توان بهره‌وری مثبت از عوامل جغرافیا و یا چشم‌داشت سایر دولت‌ها به این عوامل از جمله مسایل دیگر در این رابطه است. بدین ترتیب یک عامل جغرافیایی معین ممکن است در کشورهای مختلف، زمان‌های مختلف و موقعیت‌های مختلف تأثیر متفاوتی بر سیاست خارجی داشته باشد. به عنوان مثال قطب شمال برای یک قدرت دریایی یک مفهوم دارد و برای یک قدرت هوایی مفهوم دیگر.

۱- نظریه‌های ژئوپلیتیک

نظریه‌های ژئوپلیتیک معمولاً با هدف سلطه و یا تبعیض نژادی عرضه شده‌اند. هر چند در اینجا گسترش بحث در این رابطه مورد نظر نمی‌باشد ولی به چند نظریه مشهور که کم و بیش به منطقه خلیج فارس مرتبط می‌شود و بیان کننده موقعیت ژئوپلیتیک آن یعنی تأثیر موقعیت جغرافیایی منطقه بر سیاست دولت‌های منطقه (یا سیاست دولت‌های دیگر در منطقه است) اشاره می‌شود:

الف - نظریه سیلاک و شرایبر

چنانکه مرسوم ادبیات غرب است معمولاً شروع هر مطلبی را زمانی می‌دانند که آن مطلب در غرب مطرح شده باشد و در شرق چون دانش و علم در دوران استعمار و بعد از آن وارداتی است، همین برداشت به وجود آمده است. در خصوص نظریه‌های ژئوپلیتیک نیز همین قاعده حاکم است و معمولاً از آلفرد ماهان به عنوان طراح استراتژی‌های دریایی نام برده می‌شود. در حالی که ۲۵ قرن قبل از وی، دریا سالار هخامنشی، سیلاک، با په‌گذار این استراتژی بوده است. سیلاک معتقد بود هر کشوری که بر سه منطقه کلیدی و استراتژیک یعنی بحرین، عمان و یمن مسلط باشد، بر جهان حکومت خواهد کرد. بسا توجه به همین استراتژی بود که در دوره هخامنشیان، ساسانیان، اشکانیان، ایرانیان تیرری دریایی قوی داشته و بر آب‌ها و سرزمین‌های دو طرف خلیج فارس و دریای عمان تسلط داشته‌اند.

ژان ژاک شرایبر آمریکایی عقیده دارد که هر کشوری بر شبه جزیره عربستان مسلط شود بر همه قاره اروپا مسلط است. طبیعی است که هر کشوری بر قاره اروپا مسلط شود، بر جهان حکومت خواهد کرد. به علاوه دینده می‌شود که نظریه سیلاک مبنی بر اینکه هر کس بر بحرین، عمان و یمن مسلط باشد بر جهان مسلط است و یا نظریه ژان ژاک شرایبر آمریکایی که معتقد است هر کس بر شبه جزیره عربستان مسلط باشد بر جهان حاکم استست نه تنها در طول تاریخ بلکه تا به امروز هنوز قابل تأمل است. حتی در نظریه قلب زمین (هارتلند) «هالفورد مکیندر» انگلیسی اهمیت خلیج فارس به عنوان یک راه دریایی قابل دسترسی به هارتلند مشاهده می‌شود. محدوده هارتلند مکیندر در ۱۹۱۹ کم و پیش نیمی از ایران را در بر می‌گیرد. هر چند در سال ۱۹۹۳ ایران به طور کامل از این محدوده خارج می‌ماند. دلیل این امر آن است که در ۱۹۱۹ به علت وجود قرارداد ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ که ایران را به حوزه‌های نفوذ انگلستان و روسیه تقسیم نموده بود، مکیندر محدوده هارتلند را وسیع‌تر ترسیم نموده و حوزه نفوذ روسیه در ایران را بخشی از خاک روسیه تصور نموده بود.